

دعای «آفرین بزرگان» در بیتی از داستان سیاوخش

ابوالفضل خطیبی (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: در شاهنامه در بیتی از داستان سیاوخش آمده است که کیکاوس بر قد و بالای پسر رشیدش، سیاوخش «آفرین بزرگان» بخواند. همه شارحان شاهنامه در تفسیر این بیت به معنی لغوی این ترکیب نظر داشته‌اند، ولی در این جستار نشان داده شده است که «آفرین بزرگان» به دعای مانوی Wuzurgān Āfrīwan و دعای زردشتی Āfrīn ī wuzurgān که متن پازند آن باقی مانده است، ربط دارد و منظور شاعر این است که کیکاوس این دعای ویژه را در حق سیاوخش خوانده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، فردوسی، سیاوخش، آفرین بزرگان

سیاوخش پس از آنکه در سیستان نزد رستم پرورش یافت و به مردی رسید، همراه با رستم نزد پدرش کیکاوس بازمی‌گردد و کیکاوس چون قدوبالای رشید پسر را می‌بیند (فردوسی، شاهنامه: ۲۰۹/۲، ب ۱۱۰-۱۱۱)،

چنان از شگفتی بدو در بماند
بر آن برز بالای و آن فرآوی
بسی آفرین بزرگان بخواند
بسی بودنی دید در پرآوی

استاد خالقی مطلق دربارهٔ معنی آفرین بزرگان و در شرح بیت یکم می‌نویسد: «آفرین بزرگان یعنی دعاهای بلیغ (نشانهٔ جمع بر صفت) یا دعایی که بزرگان در حق کسی کنند مانند آفرین کیانی به معنی دعای شاهانه، دعایی که شاهان در حق کسی کنند: کیکاوس زمانی همچنان شگفت‌زده در روی سیاوش خیره مانده بود و سپس بلیغانه به دعای او پرداخت» (خالقی مطلق ۱۳۸۹: ۱/۵۷۳).

چنانکه از شرح استاد خالقی پیداست، ایشان بیشتر به معنی نخست نظر داشته‌اند. در شاهنامه در یک جای دیگر در نامهٔ پیران ویسه به گودرز، ترکیب وصفی آفرین بزرگ آمده است (فردوسی، شاهنامه: ۷۰/۴، ب ۱۱۰۹):

سر نامه کرد آفرین بزرگ به یزدان پناهش ز دیو سترگ

این ترکیب به صورت مقلوب (*wuzurg āfrīn*) در متن پهلوی /اوشنر دانا (بند ۵۵: برای متن پهلوی، نک: دابار ۱۹۳۰: ۹) نیز به کار رفته است:

farrox ōy tan, kē wuzurg āfrīn yazadān āfrīnēd estēd

فَرخ آن کسی که ایزدان را با آفرین بزرگ بستاید^۱.

اما نگارنده شاهدی از شاهنامه سراغ ندارد که نشانهٔ جمع، به جای موصوف، به صفت چسبیده باشد. گذشته از این، اگر فردوسی معنی «بلیغانه» را برای «بزرگ» در نظر داشته است، مانند بیت پیشین، به سادگی می‌توانست بگوید: «آفرین بزرگ» و به لحاظ وزن هم هیچ مشکلی نداشته تا مجبور شود نشانهٔ جمع را به دنبال صفت بیاورد.

به نظر نگارنده، در شرح بیت‌های مربوط به داستان سیاوخش، در ترکیب «آفرین بزرگان» نباید معنی لغوی آن را در نظر گرفت، بلکه احتمالاً این ترکیب یک اصطلاح (ترم) و نام دعایی بوده که از طریق خدای‌نامه به شاهنامه رسیده است. توضیح بیشتر آنکه، پیشینهٔ دعای «آفرین بزرگان» به متون مانوی می‌رسد: مانی دو زبور منظوم داشته است که ترجمهٔ قطعات مفصلی از یکی از آن دو به پارتی و نیز قطعاتی از آن به فارسی

(۱) برای ترجمهٔ فارسی، نک: ناظر ۱۳۷۳: ۴۳. «فرخ آن تن که بزرگ یزدان (را) آفرین و سپاس کرده است». این ترجمه دقیق نیست،

ولی ترجمهٔ انگلیسی دابار درست است (دابار ۱۹۳۰: ۲۳).

میانۀ مانوی و سغدی در دست است. نکته مهم اینجاست که در تحریر پارتی قطعه، عنوان «آفرین بزرگان» (Wuzurgān Āfrīwan) در آغاز آن دیده می‌شود و مشتمل است بر دعاهایی خطاب به ایزدان بزرگ مانوی، به‌ویژه پدر بزرگی (تفضلی ۱۳۷۶: ۳۴۰). برای تازه‌ترین پژوهش درباره این قطعه، نک: مورانو ۲۰۰۹: ۲۱۳-۲۲۳).

در ادبیات زردشتی نیز، رشته دعاهایی وجود دارد که به «آفرینگان» نامبردارند، مانند آفرینگان دهمان یا آفرینگان رپیتوین^۲ و جز آنها که به مناسبت‌های مختلف با حضور موبد خوانده می‌شود. افزون بر آفرینگان، برخی دعاهای دیگر هم هستند که «آفرین» نامیده می‌شوند و مانند آفرینگان برای زندگان یا روان مردگان خوانده می‌شوند. نام‌های برخی از این دسته آفرین‌ها که البته فقط متن پازند آنها باقی مانده است، عبارتند از: «آفرین پیغمبر زردشت»، «آفرین میزد» و «آفرین گاهنبار» نکته مهم اینجاست که در میان دعاهایی که «آفرین» نامیده می‌شوند، متن دعایی باقی مانده است که دقیقاً «آفرین بزرگان» (āfrīn ī wuzurgān) نام دارد (درباره آفرینگان و آفرین‌ها، نک: پورداود ۱۳۱۰: ۲۲۴-۲۲۸) و این دعا حتی امروزه در میان پارسیان هند در مراسم عروسی خوانده می‌شود^۳.

دعای «آفرین بزرگان» با این بندها آغاز می‌شود (برای متن پازند «آفرین بزرگان»، نک: دابار ۱۹۴۹: ۲۲۰-۲۲۱؛ برای ترجمۀ انگلیسی، نک: دابار ۱۹۶۳: ۲۲-۲۳):

کامگار باشی چون اورمزدخدای
فرخ و بهترین باشی چون کیخسرو...

جالب اینجاست که در بند چهارم می‌گوید: «خوش سیما باشی چون سیاوش». در بندهای بعدی، با ذکر ویژگی‌های برجسته برخی دیگر از شخصیت‌های دینی یا ملی، از جمله رادی تیشتر، بس‌کرفه‌گری (بسیار ثواب‌کاری) زردشت، زورمندی سام نریمان، دیرپایی ژروان^۴، آرزو می‌شود که همه آن ویژگی‌ها در وجود مخاطب دعا گرد آید. این

(۱) از دوست نازنینم، دکتر محمد شکر فومشی، سپاسگزارم که این منبع را به من معرفی کردند.

2) Rapitwīn

(۳) برای فیلمی از مراسم آفرین‌خوانی که در آن، دعای «آفرین بزرگان» به‌صورت کامل خوانده می‌شود، نک:

<https://www.youtube.com/watch?v=t57om8eVGbc>

(۴) برخی دیگر از شخصیت‌هایی که در این دعا از آنان نام رفته است، عبارتند از: مهرایزد، زریر، ویزن (بیژن)، گشتاسپ، رستم، اسپندیاد (اسفندیار) و جاماسپ بیدخش.

ویژگی‌ها فقط به شخصیت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به مثل آرزو می‌شود که مانند بهار خرم، مانند مشک خوشبوی و مانند زر سزاوار باشد. در پایان، برای مخاطب دعا هزار سال طول عمر آرزو می‌شود.

با این توضیحات، اینک بازمی‌گردیم به معنی «آفرین بزرگان» در دو بیت داستان سیاوخش. در زمانی نامعلوم—که بی‌گمان از دوره ساسانی جدیدتر نیست—هنگامی که این داستان صورت نهایی یافت و مکتوب شد، دعای «آفرین بزرگان» در میان ایرانیان رواج داشت و خوانده می‌شد و همین اصطلاح بعدها همراه با داستان سیاوخش وارد *خدای‌نامه* و از آنجا وارد *شاهنامه* شد. البته تردیدی نیست که در گذر زمان محتوای آن تغییر یافته است، ولی از محتوای امروزی آن، دست‌کم این نکته را آشکارا می‌توان دریافت که گوینده دعا با ذکر ویژگی‌های برجسته شخصیت‌های دینی و ملی آرزو می‌کرده است که مخاطب دعا آنها را داشته باشد. گذشته از محتوای دعای «آفرین بزرگان»، به این نکته نیز باید توجه کرد که در این گونه دعاها، جادوی کلام نیز به همان اندازه اهمیت داشته است. بنابراین، در کاربرد این دعا، «بزرگان» نه به شخصیت بزرگی (مثلاً کیکاوس در بیت مربوط به داستان سیاوخش) ارجاع دارد که در حق کهنتر از خود دعا می‌کند و نه به شخص مخاطب دعا، مثل سیاوخش^۱، بلکه—چنانکه گفته شد—منظور از «بزرگان» شخصیت‌های اساطیری یا ملی بودند که دعاکننده آرزو می‌کند که مخاطب دعا ویژگی‌های برجسته هر یک از آنان را داشته باشد، ولی در نهایت، آرزو می‌شود که مخاطب دعا مانند شخصیت‌های بزرگ یادشده، بزرگ و بلندمرتبه شود. شاید مراد از «آفرین بزرگان» خواندن، این نیز بوده باشد که دعاگو با تحسین مخاطب دعا، آرزو می‌کند که خداوند بلا را از او دور گرداند. همچنانکه در پایان دعا برای مخاطب دعا هزار سال عمر آرزو می‌شود. این معنی به‌ویژه در بیت‌های مربوط به

(۱) چنانکه در تفسیر میرجلال‌الدین کرازی در مورد بیت مربوط به داستان سیاوخش دیده می‌شود: «آفرین بزرگان در معنی آفرین و ستایش است که بر بزرگان می‌خوانند؛ کاوس آن چنان از دیدن سیاوش شگفت‌زده و شادمان شده بود که او را بدان‌سان آفرین می‌خواند و می‌ستود که بزرگان را آفرین می‌خوانند و می‌ستایند» (نک: کرازی ۱۳۸۴: ۱۹۶/۳).

سیاوخش آشکارتر است، آنجا که می‌گوید کیکاوس بر «برزبالای و فر» سیاوخش آفرین بزرگان خواند.

در جای دیگر شاهنامه در بیتی از داستان رستم و سهراب ترکیب «آفرین بزرگان» به کار رفته است. گردآفرید به سهراب می‌گوید (فردوسی، شاهنامه: ۱۳۶/۲، ب ۲۴۱):

همانا که تو خود ز ترکان نه‌یی که جز بآفرین بزرگان نه‌یی

استاد خالقی مطلق در شرح این بیت می‌نویسند: «حرف به را در بآفرین هم می‌توان به گرفت و هم کوتاه‌شده با و در هر حال بآفرین یعنی درخور ستایش» (خالقی مطلق ۱۳۸۹: ۵۰۸/۱). پس بر پایه شرح استاد، بیت را باید چنین معنی کرد: که تو (سهراب) درخور ستایش بزرگان هستی. به بیان دیگر: تو ستوده بزرگان هستی و شایستگی داری که بزرگان تو را بستایند^۱. در اینجا فردوسی به دو واحد واژگانی بآفرین (= به آفرین، به معنی «ستوده») و بزرگان و معنی لغوی آنها نظر داشته است و نه لزوماً به دعای «آفرین بزرگان». از این رو، نگارنده مخالفتی با تفسیر شارحان داستان ندارد، ولی گمان می‌کند که در اینجا هم شاید اشاره‌ای به دعای «آفرین بزرگان» شده باشد. گردآفرید به سهراب می‌گوید: شایسته آن هستی که دعای «آفرین بزرگان» بر تو خوانند تا سالیان دراز بپایی و از آسیب روزگار دور مانی. گردآفرید در ادامه سخنان خود، دریغ و افسوس خود را از اینکه ممکن است آسیبی به سهراب وارد آید، چنین بیان می‌کند (فردوسی، شاهنامه: ۱۳۶/۲، ب ۲۴۶؛ ۱۳۷، ب ۲۴۸)

دریغ آیدم کین چنین یال و سفت همی از پلنگان ببايد نهفت...
نباشی بس ایمن ز بازوی خویش خورد گاو نادان ز بازوی خویش

۱) دیگر شارحان داستان رستم و سهراب نیز مصراع دوم این بیت را به همین سان تفسیر کرده‌اند، (مثلاً نک: شعار و انوری ۱۳۸۶: ۱۰۳،

منابع

- پورداد، ابراهیم، ۱۳۱۰، *خرده‌اوستا*، بمبئی.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران.
- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۸۹، *یادداشت‌های شاهنامه*، ج ۳، تهران.
- شعار، جعفر و انوری، حسن، ۱۳۸۶، *غمنامه رستم و سهراب*، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، به‌کوشش جلال خالقی مطلق، ج ۸، تهران، ۱۳۸۶.
- کزآزی، میرجلال‌الدین، *نامه باستان*، ج ۳، تهران، ۱۳۸۴.
- ناظر، ابراهیم‌میرزا، ۱۳۷۳، *اندرز اوشتنر دانا*، تهران.
- Dhabhar, E. B. N., 1930, *Andarj-I Aōshnar-I Dānāk*, Bombay.
- _____, 1949, *Zand-i Khūrtak Avistāk*, Bombay.
- _____, 1963, *Translation of Zand-i Khūrtak Avistāk*, Bombay.
- MORANO, E, 2009, "'ymn' hynd: The Beginning of Mani's Psalm Wuzurgān Āfriwan in Parthian and Middle Persian", *New Light on Manichaeism: Papers from the Sixth International Congress on Manichaeism*, ed. J. D. Bedulín, Leiden, pp. 213-223.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی